

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

محمد محق  
۰۵ سپتمبر ۲۰۲۲



محمد محق

## نقش مساجد در افغانستان، نیاز به بازنگری

مسجد در تمام تاریخ اسلام و در تمام جوامع مسلمان نشین اهمیت و قداست داشته است. در قرآن مجید، مسجد در کنار صومعه و عبادتگاه‌های ادیان دیگر یکسان محترم دانسته شده است. در روایت‌های بر جای مانده از صدر اسلام نیز تأکید صورت گرفته است که در جنگ‌ها باید حرمت معابد دینی و عبادت‌گزاران از هر گونه آسیب مصون بماند. در کنوانسیون‌های بین المللی معاصر نیز اجرای مناسک دینی از حقوق اساسی انسان‌ها به شمار رفته است که نباید کسی متعرض آن‌ها شود.

این حرمت که برای معابد در طول هزاران سال پدید آمده و به آن‌ها جایگاهی ویژه بخشیده است ریشه در نیازی وجودی برای انسان‌ها دارد که خود را در جست و جوی معنای زندگی، یافتن خاستگاه وجود، مواجهه با امر قدسی و یکی شدن با هستی بزرگ، نشان داده است. معابد برای این برپا شده‌اند تا غوطه‌ور شدن در تجربه‌ای معنوی را برای انسان‌ها امکان‌پذیر گردانند و به این اعتبار، آن‌ها تنها مکانی فزایی نیستند، بلکه دریچه‌ای به سوی متافزیک و نقب زدن به باطن هستی به شمار می‌روند. از این رو حضور در آن‌ها با آداب و مناسک خاصی همراه است، از طهارت ظاهر گرفته تا تأکید بر پاکیزگی باطن. سوی این‌که کدام دین چه مناسک و آئین‌هایی را برای پیروان خود نشان داده است، همواره نوعی از ابهت و قداست بر گرد معابد احاطه داشته و مردمان به نگهداشت حرمت آن‌ها التزام داشته‌اند. تا امروز، بخشی از مهم‌ترین ابنیه تاریخی جهان باستان که سده‌های طولانی عمر کرده‌اند، معابد هستند که علی رغم عصر سکولار و گیتی‌گرایی غالب بر آن، اهمیت روحی و معنوی خود را حفظ کرده‌اند، و هنوز اکثریت انسان‌ها معابد را سرچشمه معنویت و روزنه‌ای به سوی جهان ماوراء می‌دانند.

در جهان اسلام اما حرمت مساجد دیری است رو به زوال نهاده است، و این روند از روزگاری شروع شده است که گروه‌هایی با سودای سهم شدن در قدرت و ثروت مساجد را به نمایندگی‌های حزبی خود تبدیل کردند. با در هم آمیختن دین و سیاست، دین‌داری رویکردی دیگرگونه پیدا کرد و آن دغدغه‌های عظیم وجودی در باره معنای آفرینش و راز

هستی و آغاز و انجام زندگی جای خود را به دغدغه‌های روزمره سیاسی داد. پیامبر اسلام گفته بود بدترین اماکن بازارها هستند (از حیث غلبه حرص و نزاع) و بهترین اماکن مساجد هستند (از حیث همدمی با مبدأ هستی) مولانا در تعبیر از آن کشش معنوی می‌گفت: "ما ز بالائیم و بالا می‌رویم" زبان حال این مساجد اما می‌گوید ما ز قهقرائیم و به قهقراء می‌رویم، زیرا کار بسیاری از مساجد به دامن زدن به دعوای سیاسی کشیده است و نقش منبرها افت کرده است تا سطح بنگاه‌های خبرپراکنی و رسانه‌های تصویری.

مساجد اینک می‌روند تا پایگاه‌هایی باشند برای احزابی که هر کدام یک فرقه خاص است با ایدئولوژی ویژه مخصوص خودش، با تقویت عواطف فرقه‌گرایانه و خلق هویت‌های جدید. مردم به این امید به مسجد می‌روند تا روح و جان شان با تشعشعاتی قدسی تطهیر شود، اما در عوض از خشم و کین انباشته شده و از نفرت و سوء ظن سنگین‌بار می‌شوند. نمازگزاران اکنون بیش از آن‌که در باره خدا و جهان قدس بشنوند در باره اسرائیل و روز قدس می‌شنوند، و ذکر خدا جایش را به ذکر اروپا و امریکا داده است.. حافظ گفته بود: "چون ندیدند حقیقت ره افسانه زدند.. " پایان این داستان به راه افتادن سیلاب‌های خون است که بر سر راه خود واعظان و منبریان را نیز می‌برد. آیا امکان دارد مساجد را از آلودگی‌های سیاست و دنیازدگی پاکیزه ساخت و قدسیت و معنویت از دست رفته را به آن‌ها برگرداند؟